مقایسه موفقیت واحدهای مکانیزه تعاونی‌های روستایی، تعاونی‌های تولید و شرکت‌های مکانیزه استان فارس

حسین آزادی و عزت‌الله کرمی[1]

چکیده

تعاونی، یکی از تشکل‌هایی است که به سبب پیشرفت‌ها و موفقیت‌های درخشانش، به عنوان نهادی که در پاسخ‌گویی به دشواری‌های بنیادین توسعه تلاش دارد، همواره مورد توجه کشورهای گوناگون قرار گرفته است. روند تکاملی راه‌اندازی این نهادها و فلسفه وجودی تشکیل آنها، همگام با نظریات توسعه و به منظور پاسخ‌گویی به اهداف اساسی آن نضج یافته است، چنان‌که برداشت ناقص و نگرش بسته و ابتدایی از این نهادها به عنوان تشکل‌هایی وابسته و دولتی، که فلسفهٔ وجودی آنها غالباً در چارچوب افزایش تولید مطرح می‌شد، کم کم جای خود را به نهادهایی مردمی و مستقل، با زیربنای فلسفی همکاری و برابری اعضا داده، و بدین ترتیب پاسخ‌گویی به اهداف جدید توسعه را در اولویت قرار داده است. پژوهش حاضر، با هدف تعیین میزان موفقیت تشکل‌های مکانیزاسیون استان فارس (شامل ۱۲ شرکت مکانیزه، ۲۴ تعاونی روستایی و ۸ تعاونی تولید) در دست‌یابی به اهداف کهن و جدید توسعه، با بهره‌گیری از روش پژوهش پیمایشی انجام گردید.

نتایج نشان داد که واحدهای مکانیزه تعاونی‌های تولید در ایجاد درآمد بیشتر برای کشاورز، همکاری افراد روستایی در سطح جامعه، افزایش برابری و رفاه شغلی، در مقایسه با دیگر تشکل‌ها، موفقیت بیشتری نشان می‌دهند، در حالی که شرکت‌های مکانیزه بیشترین انعطاف پذیری و مشارکت را در تصمیمات مربوط به انجام فعالیت‌های کشاورزی و نیز نحوهٔ پرداخت اجرت میان تشکل‌های گوناگون دارا می‌باشند. به سخن دیگر، تعاونی‌های تولید در مجموع توانسته‌اند در دست‌یابی به اهداف توسعه (افزایش درآمد، مشارکت بیشتر، کاهش نابرابری و افزایش رفاه) موفقیت بیشتری کسب نمایند. پس از این واحدها، شرکت‌های مکانیزه قرار دارند. در هر حال، تعاونی‌های روستایی پایین‌ترین سطح موفقیت را نشان دادند.

واژه‌های کلیدی: توسعه روستایی، تعاونی روستایی، تشکل روستایی، مقایسه تشکل‌ها، مکانیزاسیون

مقدمه

اکنون که در آغاز قرن بیست و یکم قرار داریم، بسیاری از کشورهای در حال توسعه، هم‌چنان درگیر مشکل گرسنگی به عنوان معضل اصلی می‌باشند. این معضل که از ابتدای تعاریف و نگرش‌های توسعه در حدود دهه ۱۹۶۰ میلادی مطرح شده،

۱. به ترتیب دانشجوی سابق کارشناسی ارشد و استاد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]

نه تنها شامل مرور زمان نگردیده و از اهمیت آن کاسته نشده، که بسیاری از کشورها به عنوان مهم‌ترین معضل از آن یاد کرده و هم‌چنان به دنبال راه چاره‌ای برای رفع آن می‌باشند.

در دهه ۱۹۶۰، صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان توسعه، به منظور رفع مشکل گرسنگی و نجات توده ضعیف از فلاکت و تنگدستی، به عنوان نخستین و بهترین راه حل، رشد اقتصادی را پیشنهاد نمودند، که در صدر آن افزایش تولید محصولات غذایی قرار داشت (۱). بدین ترتیب، در این نگرش، رفع تمام مشکلات و بدبختی‌های بشر در افزایش درآمد سرانه خلاصه می‌شد، که آن را از راه به کارگیری تکنولوژی و نوآوری‌های مختلف در بخش‌های گوناگون کشاورزی و صنعتی ممکن می‌دانستند. به گفته دیگر، با به کارگیری نوآوری‌ها و تکنولوژی‌های نوین و ارائه راه‌کارهای صرفاً فنی تلاش می‌شد تا مقدار کمی و کیفی تولید فراورده‌های مختلف افزایش یابد، و با توجه به این که کشورهای توسعه یافته در این زمینه به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافته بودند، همواره به کشورهای در حال توسعه راه‌کارهای فنی و انتقال تکنولوژی‌هایی را که خود خلق نموده و به کار گرفته بودند (بدون توجه به شرایط خاص این کشورها) پیشنهاد می‌نمودند.

در هر حال، به نظر می‌رسد در آن دوره، تمامی ذهن دانشمندان و صاحب‌نظران را تنها نگرش رشد مآبانه به خود مشغول کرده بود. با این تفصیل، نخستین و مهم‌ترین انتظار از بخش کشاورزی، طبیعتاً تولید هر چه بیشتر فراورده‌های گوناگون بود. به سخن دیگر، از آن جا که توسعه در افزایش تولید خلاصه می‌شد، از بخش کشاورزی نیز انتظار می‌رفت که هم گام با این هدف، تولیدات خود را افزایش دهد. در این میان، مهم‌ترین راه کار پیشنهادی، کشت مکانیزه محصولات مختلف، و یا اصطلاحاً مکانیزاسیون کشاورزی بود. در این زمینه، به تدریج مدل‌ها و الگوهایی شکل گرفت که به مدل «انتقال تکنولوژی[1]» مشهور است (۹).

به منظور توجیه عدم توفیق بسیاری از این برنامه‌ها در کشورهای جهان سوم، باز هم «موانع انتقال تکنولوژی» جستجو می‌شد (۶). در نتیجه، هیچ ایراد و انتقادی بر تکنولوژی انتقال یافته وارد نشده و جهالت و فقر دانش کشاورز را به عنوان مانع انتقال تکنولوژی دانسته، برای رفع آن از رهیافت‌های گوناگونی بهره گرفته می‌شد (۱۸). پژوهش‌های نشر نیز به رغم تشخیص نواقص این نظریه، با ارائه نتایج کلی ناقص موجب تقویت این فرآیند می‌شدند (۱۹). به تدریج، و با درک زیان توصیه‌های صرفاً فنی و پیامدهای نشر نوآوری‌ها در میان اعضای نظام اجتماعی (۱۱ و ۱۹)، محرز شد که علت اصلی نپذیرفتن نوآوری‌ها، کمبود توجه به عوامل انسانی، و نقشی است که کشاورز به عنوان عامل بازخورد اطلاعات در این زمینه می‌تواند ایفا نماید (۲۰). به سخن دیگر، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که تا هنگامی که موفق به درک شرایط کشاورز نشوند، نخواهند توانست تکنولوژی متناسب با نیاز وی را خلق نمایند (۶، ۷ و ۹). در این مورد، رهیافت‌هایی شکل گرفت که سعی در حل این معضل، و در نتیجه دست‌یابی به توزیع عادلانه‌تر درآمدها داشت (۲۱).

ولی برخی پژوهشگران بر این باورند که درک کامل شرایط کشاورز بدون مشارکت عملی وی در کلیه مراحل برنامه‌ریزی امکان‌پذیر نیست. به گفته دیگر، تا هنگامی که خود کشاورز در کلیه فرآیندهای برنامه‌ریزی مشارکت جدی و عملی نداشته باشد، نمی‌توان آن فناوری را خلق نمود که با شرایط وی سازگاری واقعی داشته باشد (۸). بنابراین، یکی از این جنبه‌ها، که امروزه نیز بحث در مورد آن به صورت جدی دنبال می‌شود، چگونگی مشارکت افراد جامعه در فرآیند توسعه و فعالیت‌های مربوط به خود است. اعتقاد بر این است که بدون مشارکت مؤثر افراد روستایی در فرآیند توسعه و شرکت ایشان در امور گوناگون، نه تنها نمی‌توان به رشد مناسب اقتصادی دست یافت، که در این صورت دست‌یابی به یک الگوی مطلوب «توزیع» نیز غیرممکن و یا بسیار مشکل خواهد بود. اهمیت این موضوع به حدی است که بسیاری از صاحب‌نظران در این زمینه به نهادینه سازی

1. Transfer of technology

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]

مشارکت، یا چگونگی دست‌یابی به مشارکتی مطلوب و خارج شدن از نظریات و پی‌ریزی الگوی عملی این مفهوم همت گمارده‌اند، و از این راه، و با ارائه راه‌کارهای عملی در این زمینه، به چگونگی مشارکت عملی افراد روستایی پرداخته‌اند. به عنوان مثال، به اعتقاد نیویی‌جر (۱۶) یکی از مؤثرترین راه‌کارها به منظور افزایش مشارکت افراد روستایی، که روند توزیع را نیز عادلانه می‌سازد، تأسیس و راه‌اندازی تشکل‌های گوناگون مانند تعاونی‌هاست. نگاره ۱ اهمیت و نقش تشکل‌های مکانیزاسیون را در دست‌یابی به اهداف توسعه نشان می‌دهد.

با توجه به این که در بسیاری از کشورها (به ویژه کشورهای در حال توسعه)، ایجاد تحول بنیادین در کار کشاورزی و مکانیزه کردن آن مستلزم استفاده و به کارگیری ماشین‌های گران‌بهای کشاورزی و سرمایه‌گذاری سنگین است، این سرمایه‌گذاری به طور قطع برای خرده مالکین و صاحبان مزارع کوچک از نظر مالی غیرمقدور و از نظر اقتصادی دور از صرفه می‌باشد. ولی این مشکل مهم نیز حل شده، و امروزه کشاورزان در بسیاری از نقاط جهان با هم‌فکری و همکاری یکدیگر، و استفاده از پس اندازهای کوچک خود، به وسیلهٔ تشکیل شرکت تعاونی توانسته‌اند بهترین و آخرین سیستم ماشین‌های کشاورزی را به صورت گروهی و یا سرمایه مشترک خریداری کنند، و هر یک به نوبت در امور کشاورزی خویش از آن بهره گیرند[1] (۳). از این رو، یکی از مؤثرترین و کارآمدترین راه‌کارها به منظور دست‌یابی به الگویی موفق از توسعه کشاورزی، و سرانجام اهداف کلان توسعه، که دربردارنده رشد اقتصادی، افزایش تولید، توزیع عادلانه درآمد و بالاخره مشارکت عملی جامعه روستایی در فعالیت‌های مختلف عمرانی-اجتماعی باشد، تشکل یافتن این افراد در چارچوب گروه‌ها و اجتماعاتی به نام «تشکل‌های مکانیزاسیون» می‌باشد، که می‌تواند افزون بر تلاش در افزایش تولید و توزیع عادلانه‌تر سود آن، زمینه مساعدی را برای نهادینه کردن مشارکت آنها ایجاد نماید.

حدود ۷۵ سال پیش با کمک و راهنمایی کارشناسان تعاونی و کشاورزی اصل چهار ترومن، چندین شرکت تعاونی ماشین آلات کشاورزی در ایران تأسیس گردید، و تا هنگامی که کمک‌های فنی و وسایل یدکی به ماشین‌ها می‌رسید و ماشین آلات مستهلک نشده و در کار استفاده از ماشین آلات نظم و ترتیبی برقرار بود، خدمات سودمندی به کشاورزان ارائه می‌نمود. ولی کم کم ماشین‌ها مستهلک شده، تعمیر و تجدید نشدند، و از کار افتادند. از سوی دیگر، چون کشاورزان دانش کافی در این زمینه نداشتند، و سود مشترک خود را احساس نمی‌کردند، دنبالهٔ کار گرفته نشد و این امر بی‌نتیجه ماند (۳).

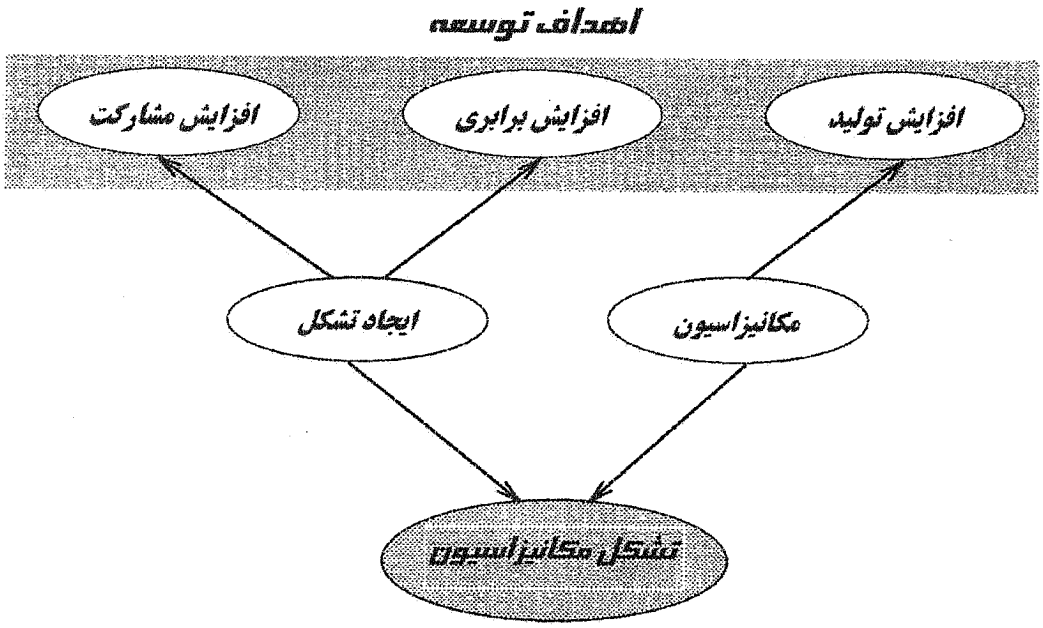
در سال‌های اخیر، تلاش برای ایجاد و تأسیس تشکل‌های مکانیزاسیون یکی از اهداف برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی در کشور بوده است، که غالباً در چارچوب طرح محوری گندم گنجانده شده است. این تشکل‌ها با هدف خودکفایی در محصول استراتژیک گندم به ارائه خدمات ماشینی در بخش کشاورزی مشغولند. اما مطالعات نشان می‌دهند که تا به حال هیچ گونه بررسی و تحلیلی در مورد عملکرد این تشکل‌ها صورت نگرفته است.

با توجه به اهمیت کارکرد موفقیت‌آمیز تشکل‌های مکانیزاسیون در دست‌یابی به اهداف کلان توسعه، و لزوم اتخاذ سیاست‌ها و راه‌کارهای مناسب به هنگام تأسیس و راه‌اندازی این تشکل‌ها، هدف کلی این پژوهش، تحلیل عملکرد تشکل‌های مکانیزاسیون استان فارس (شامل سه دسته تشکل: شرکت‌های مکانیزه، واحد مکانیزه تعاونی‌های تولید و روستایی) می‌باشد، که با توجه به ابعاد گوناگون فعالیت‌های این تشکل‌ها در چارچوب اهداف توسعه، صورت می‌گیرد.

۱. در کشوری مانند ایران که ماشین‌های سنگین و گرانی برای کشاورزی تهیه شده ولی مزارع کوچک است دو مشکل اساسی بروز می‌کند: صاحب مزرعه معمولاً نمی‌تواند برای خرید این گونه ماشین‌ها سرمایه لازم را فراهم کند، و اگر هم توان آن را داشته باشد در زمین کوچک او آن قدر کار نیست که هزینهٔ ماشین‌ها را جبران کند، زیرا ماشین نیمی از سال بی‌کار می‌ماند. راه حل قطعی این موضوع مالکیت و بهره‌برداری مشترک از ماشین است (۲).

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]



نگاره ۱. اهمیت و نقش تشکل‌های مکانیزاسیون در دست‌یابی به اهداف توسعه

چارچوب نظری پژوهش

هدف این پژوهش، واکاوی عملکرد تشکل‌های مکانیزاسیون[1] استان فارس است، که با تعیین میزان موفقیت آنها سنجیده خواهد شد.

موفقیت[2] در این مطالعه، ایجاد سود اقتصادی بیشتر، افزایش مشارکت، برابری و رفاه شغلی خواهد بود. به سخن دیگر، تشکلی موفق‌تر خواهد بود که سود اقتصادی بیشتری برای بهره‌برندگان خدمات این تشکل‌ها (کشاورزان، چه خرده مالک و چه عمده مالک) در برداشته، و ضمن خدمات‌رسانی به کشاورزان، موجبات مشارکت بیشتر این افراد را در تصمیمات کشاورزی و جامعه روستایی فراهم آورد، و نیز انجام فعالیت‌های گوناگون کشاورزی را برای کشاورز آسان و تسریع نماید. نگاره ۲ الگوی نظری پژوهش را نشان می‌دهد.

به گفته دیگر، موفقیت تشکل، حاصل مجموع افزایش سود اقتصادی، مشارکت، برابری و رفاه شغلی است. بنابراین، با سنجش موفقیت تشکل، که در چارچوب افزایش سود اقتصادی، مشارکت، برابری و رفاه شغلی تعریف می‌شود، می‌توان عملکرد آن را، که شامل افزایش یا کاهش سود اقتصادی برای کشاورز، میزان مشارکت وی در تصمیمات مربوط به فعالیت‌های کشاورزی، و نیز در سطح جامعه روستایی، ایجاد یا کاهش تبعیض طبقاتی و سرانجام افزایش یا کاهش رفاه شغلی است، تحلیل نمود.

مواد و روش‌ها

روش پژوهش

برای انجام این بررسی از روش پژوهش پیمایشی[3] استفاده شد. پس از تعیین جامعه و شناخت منطقه مورد نظر، با انجام یک بررسی راهنما و تحلیل نتایج آن، و انجام اصلاحات لازم در ابزار سنجش، اطلاعات مورد نیاز در جمعیت یاد شده جمع‌آوری گردید.

---

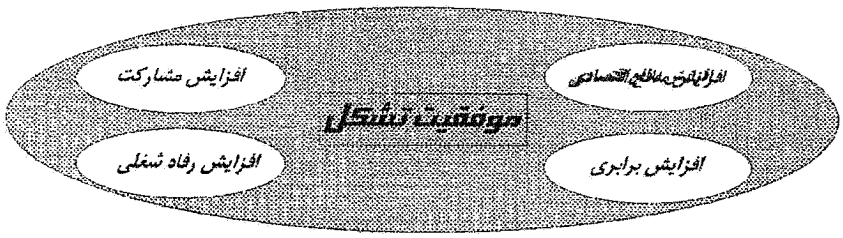
۱. تشکل مکانیزاسیون به اجتماع یا تشکلی از افراد گفته می‌شود که به ارائه خدمات در زمینه ماشین و ادوات دنباله‌بند در سه مرحله کاشت، داشت و برداشت می‌پردازند. این افراد ممکن است روستایی یا شهری بوده، و خود کشاورز باشند یا نباشند. با این حال، اکثر این افراد منشأ روستایی داشته، و در بسیاری موارد، خود نیز دارای زمین کشاورزی هستند، و بدین ترتیب کشاورز محسوب می‌شوند.

۲. تعریف کامل شاخص «موفقیت» در ادامه آمده است.

3. Survey research

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]



نگاره ۲. الگوی نظری پژوهش

تعریف شاخص موفقیت

در این پژوهش موفقیت تشکل‌ها در چارچوب اهداف توسعه سنجیده شده است. الگوی توسعه بر پایهٔ مروری بر گزارش‌های بسیاری در زمینه تعاونی‌ها (۵، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷ و ۲۲) با هدف درک رفتار سازمان‌های محلی[1] تبیین شده است. بر پایه این پژوهش‌ها، به طور کلی، تشکل‌های محلی (در چارچوب توسعه) بایستی دارای پنج کارکرد باشند:

۱. افزایش سود اقتصادی؛ شامل افزایش تولید (یا کاهش هزینه‌های تولید)، و در نتیجه افزایش درآمد از فراورده‌های کشاورزی و غیرکشاورزی.
۲. افزایش بهره‌های اجتماعی؛ شامل بهبود رفاه و آموزش افراد.
۳. افزایش برابری؛ شامل درآمد بیشتر برای مستمندان، دسترسی بیشتر آنها به امکانات و خدمات.
۴. کاهش نابرابری؛ شامل تبعیض جنسی و اجتماعی.
۵. مشارکت؛ شامل مشارکت در تصمیمات دولت و اجتماع.

با توجه به موارد فوق، و به منظور تحلیل عملکرد و مقایسه موفقیت تشکل‌ها در چارچوب اهداف توسعه، شاخصی تهیه شد تا بر پایهٔ آن بتوان نمره‌ای برای موفقیت تشکل‌ها به دست آورده و آنها را مقایسه نمود. این شاخص با استفاده از موارد زیر به دست آمده است:

۱. بررسی گسترده پژوهش‌های گذشته، که هر یک موفقیت تعاونی را از دیدگاهی سنجیده و به یک یا چند عامل اثرگذار بر آن تأکید ویژه داشته‌اند.
۲. مصاحبه و بحث با کارشناسان اجرایی.
۳. استفاده از نظریات متخصصین دانشگاهی.
۴. مطالعه اهداف و مبانی تشکیل تشکل‌ها.
۵. در نظر گرفتن نگرش‌های جدید توسعه.

بنابراین، سعی شد از این راه نه تنها گزارش‌های گذشته مطالعه گردد، و چارچوب مناسبی به دست آید، که از راه این مطالعات، عوامل و دیدگاه‌هایی که در زمینهٔ موفقیت تشکل‌ها از دید هر پژوهشگر مورد تحلیل قرار گرفته شده، جستجو گردد. افزون بر آن، بحث با کارشناسان اجرایی، زمینه را برای دست‌یابی به واقعیات اجرایی فراهم نمود تا جزئیات امر بیشتر روشن شود. هم‌چنین، استفاده از نظریات متخصصین دانشگاهی، افق گسترده‌تری را در این زمینه فراهم می‌نمود. از سویی، انجام این پژوهش بدون در نظر گرفتن اهداف و مبانی تشکیل این تشکل‌ها، امری غیرممکن و نادرست می‌نمود، و درک صحیح موضوع را دشوار می‌ساخت. سرانجام، با عنایت به اهمیت توسعه (اجتماعی-اقتصادی)، و این که راه‌اندازی تشکل‌هایی از این دست هم‌سو با اهداف توسعه می‌باشد، تلاش شد تا شاخص موفقیت با بهره‌گیری از نگرش‌های جدید آن، و در چارچوب اهداف مذکور تعریف و طراحی گردد. تعریف این شاخص و نحوه محاسبه آن به شرح زیر است:

از آن جا که تشکل‌های مورد بررسی در زمینه توسعه کشاورزی، و در نتیجه توسعه اقتصادی مطرح می‌باشند، از میان متغیرهای مذکور که برای توسعه در نظر گرفته شده است، متغیرهای زیر به منظور تبیین کارکرد تشکل‌های مکانیزاسیون در چارچوب اهداف توسعه برگزیده شد:

1. Local Organizations (LO)

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]

۱. افزایش سود اقتصادی
۲. افزایش مشارکت
۳. افزایش برابری
۴. افزایش رفاه شغلی

بر پایهٔ توضیحات بالا، موفقیت به صورت زیر تعریف شد:

$$S = f(I+P+E+PW)$$

S: موفقیت
I: درآمد
P: مشارکت
E: برابری
PW: رفاه شغلی

بدین معنی که موفقیت تابعی از افزایش درآمد، مشارکت، برابری و رفاه شغلی است. به سخن دیگر، تشکلی موفق است که توانسته باشد:

۱. افزایش درآمد یا کاهش هزینه (I)
۲. افزایش مشارکت، شامل مشارکت در تصمیم‌گیری و مشارکت در جامعه روستایی (P)
۳. افزایش برابری یا کاهش نابرابری (E)
۴. افزایش رفاه شغلی (PW)

را برای افراد بهره‌مند از این تشکل‌ها فراهم نماید.

جمعیت و منطقه مورد بررسی

استان فارس به عنوان منطقهٔ مورد پژوهش، و تشکل‌های مکانیزاسیون این استان به عنوان جامعه مورد پژوهش انتخاب شدند.

با توجه به این که هدف این بررسی، واکاوی عملکرد تشکل‌های مکانیزاسیون است، و از آن جا که در تحلیل عملکرد این تشکل‌ها، بسیاری از علل و سازه‌های اجتماعی، انسانی و روان‌شناختی (از قبیل مشارکت و برابری) دخالت دارند، آن دسته از تشکل‌های مکانیزاسیون که دارای ساختاری همانند بوده و دست‌کم سه سال از تأسیس آنها گذشته و به شکلی فعال به ارائه خدمات مشغولند، به عنوان جامعه آماری مورد پژوهش در نظر گرفته شد.

بدین ترتیب، سه نوع تشکل مورد بررسی قرار گرفت:

۱. شرکت‌های مکانیزاسیون[1]
۲. واحدهای مکانیزاسیون تعاونی‌های تولید[2]
۳. واحدهای مکانیزاسیون تعاونی‌های روستایی[3]

بنابراین، از جامعه آماری این پژوهش، تشکل‌های غیرفعال یا فعال ولی با قدمت کمتر از سه سال حذف شدند، و با توجه به شمار محدود تشکل‌های مکانیزاسیون در سطح استان، در مورد این تشکل‌ها نمونه‌گیری صورت نگرفت. در این مورد، جمع‌آوری داده‌ها، از کلیه مدیران عامل این تشکل‌ها (جمعیت مورد بررسی) صورت گرفته است. ولی از آن جا که بخش دیگری از داده‌های مورد نیاز از کشاورزان زیر پوشش این تشکل‌ها به دست آمده، به دلیل بزرگی اندازه این جمعیت (کشاورزان بهره‌مند از خدمات تشکل‌های مکانیزاسیون) نمونه‌گیری انجام شد. بدین ترتیب، نخست از میان روستاهای زیرپوشش این تشکل‌ها، که به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شده بودند، یک روستا به صورت تصادفی انتخاب، و سپس از میان کشاورزان این روستا پنج کشاورز به طور تصادفی انتخاب گردید. با توجه به توضیحات بالا، طرح نمونه‌گیری این پژوهش، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای

---

۱. این شرکت‌ها تنها به ارائه خدمات ماشین و ادوات کشاورزی (به صورت خصوصی) اشتغال دارند.

۲. این تشکل‌ها، تعاونی‌هایی «تولیدی» هستند که به امور مربوط به کشاورزی، از طریق فراهم آوردن نهاده‌ها (ارائه کود، سم، بذر و...) و برنامه‌ریزی امور گوناگون کشاورزی (به صورت تعاونی) اشتغال داشته و علاوه بر داشتن واحدهای مختلف، دارای واحدی مکانیزه نیز می‌باشند، که ماشین‌آلات و ادوات دنباله‌بند را برای اعضا فراهم می‌آورد. واحد اخیر در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اولیه این تعاونی‌ها تولید است.

۳. این تشکل‌ها، تعاونی‌هایی «خدماتی» هستند که علاوه بر ارائه خدمات مصرفی (از راه عرضه اجناس مختلف در فروشگاه مصرف خود) در امور مربوط به کشاورزی، از طریق فراهم آوردن نهاده‌ها به صورت تعاونی (ارائه کود، سم، بذر و...)، و نیز خرید گندم کشاورزان (به عنوان مراکز خرید گندم) اشتغال دارند. بنابراین، این تشکل‌ها دارای واحدهای گوناگونی می‌باشند. یکی از این واحدها، واحد مکانیزاسیون است، که ماشین‌آلات و ادوات دنباله‌بند را برای اعضا فراهم می‌آورد، و در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اولیه این تعاونی‌ها، ارائه خدمات است.

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]

تصادفی[1] بوده است.

بنابراین، در مجموع ۴۴ تشکل، شامل ۲۴ شرکت تعاونی روستایی، ۱۲ شرکت مکانیزاسیون و ۸ شرکت تعاونی تولید، به عنوان واحد مورد تحلیل[2] انتخاب و به دنبال آن ۲۲۰ کشاورز به عنوان عنصر[3] مورد بررسی برگزیده شدند. به سخن دیگر، در این پژوهش ۴۴ مورد مصاحبه با مدیران عامل تشکل‌ها و ۲۲۰ مورد مصاحبه با کشاورزان بهره‌مند صورت گرفته است. لازم به یادآوری است که در این پژوهش تنها آن دسته از تشکل‌ها که بیش از سه سال قدمت داشته و در حال حاضر فعال می‌باشند، بررسی گردیدند.

به منظور آزمون ابزار سنجش و جمع‌آوری داده‌های نهایی، و در سطحی گسترده، یک مطالعه راهنما[4] انجام شد. هدف از انجام این مطالعه، سنجش میزان روایی[5] و پایایی[6] پرسش‌نامه و رفع کاستی‌های احتمالی، و در صورت نیاز اصلاح ابزار سنجش بود. بدین منظور، ابتدا پرسش‌نامه‌ای طراحی و با نظرسنجی از صاحب‌نظران، اعتبار صوری[7] آن سنجیده شد. سپس، با انجام ۳۰ مصاحبه (مصاحبه با مدیران عامل و کشاورزانی که خارج از نمونه انتخاب شده بودند)، مطالعه راهنما انجام گرفت. به منظور سنجش میزان پایایی پرسش‌های طراحی شده برای سنجش متغیرها، از آزمون کرونباخ آلفا[8] استفاده شد[9]. مقدار این پارامتر برای مجموعه پرسش‌ها به شرح زیر بود:

- متغیر افزایش درآمد کشاورز در نتیجه دریافت خدمات مکانیزه:

کرونباخ آلفا = ۰/۷۱

- متغیر افزایش برابری در نتیجه خدمات مکانیزه ارائه شده به جامعه روستایی:

کرونباخ آلفا = ۰/۸۳

از آن جا که در نتیجه این بررسی، مقادیر به دست آمده برای کرونباخ آلفا در سطحی خوب و قابل پذیرش بود، پایایی پرسش‌های مذکور تأیید، و در نتیجه پرسش‌نامه نهایی طراحی و اقدام به جمع‌آوری داده‌ها شد.

نتایج و بحث

توزیع و فراوانی تشکل‌ها در سطح استان

پراکندگی و فراوانی تشکل‌های مکانیزاسیون نشان می‌دهد که در گسترهٔ استان فارس، از مجموع ۷۳ تشکل مکانیزه ثبت شده، اکنون تنها ۴۴ واحد آن به شکلی فعال به ارائه خدمات ماشینی مشغولند، که از این شمار تعاونی‌های روستایی با ۲۴ (۵۴/۵%) و تعاونی‌های تولید با ۸ واحد مکانیزه (۱۸/۲%)، به ترتیب بیشترین و کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند، و شرکت‌های مکانیزه با ۱۲ واحد فعال و ثبت شده، ۲۷/۳% از این مجموعه را در برمی‌گیرند (جدول ۱).

مقایسه تشکل‌ها از نظر میزان موفقیت

تعیین افزایش درآمد / کاهش هزینه و مقایسه تشکل‌ها (I)

نخستین، و یکی از مهم‌ترین سازه‌هایی که برای سنجش موفقیت تشکل‌ها مطرح است، کارکرد اقتصادی آنها می‌باشد. نقی‌زاده (۱۵) معتقد است در بررسی تشکل‌ها، نخستین اولویت باید به بررسی پیامدهای این نهادها در چارچوب توسعه اقتصادی داده شود، خواه این تعاونی‌ها روند توسعهٔ اقتصادی را کند کرده، یا تسهیل کنند و یا حالتی بی‌طرف داشته باشند.

جدول ۲ میزان موفقیت هر یک از تشکل‌ها را در ایجاد درآمد / کاهش هزینه برای افراد بهره‌مند از خدمات این تشکل‌ها مقایسه نموده است[10]. همان گونه که نتایج تحلیل واریانس و آزمون LSD نشان می‌دهد، تعاونی‌های تولید و شرکت‌های مکانیزه به ترتیب، و با اختلافی چشم‌گیر نسبت به تعاونی‌های روستایی، میانگین درآمد بیشتری را برای اعضای خود کسب

1. Multi-stage cluster random sampling
2. Case or unit of analysis
3. Element
4. Pilot study
5. Validity
6. Reliability
7. Face validity
8. Cronbach's alpha

۹. کلیه محاسبات آماری این پژوهش به وسیله نرم‌افزار SPSS-WINDOWS انجام گرفته است.

۱۰. میزان موفقیت تشکل در افزایش درآمد برای کشاورز، از طریق نظرسنجی از کشاورز و جمع متغیرهای مربوط به این نظرسنجی محاسبه شده است.

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]

جدول ۱. فراوانی تشکل‌های مورد بررسی در سطح استان

نوع تشکل	فراوانی	درصد
تعاونی‌های روستایی	۲۴	۵۴/۵
تعاونی‌های تولید	۸	۱۸/۲
شرکت‌های مکانیزاسیون	۱۲	۲۷/۳
مجموع	۴۴	۱۰۰

جدول ۲. مقایسه تشکل‌ها از نظر افزایش درآمد (I) برای کشاورزان (نتایج تحلیل واریانس)

نوع تشکل	میانگین افزایش درآمد[1و2] F Prob.=۰/۰۰۱
تعاونی‌های روستایی	۷/۶۲[a]
تعاونی‌های تولید	۲۰/۳۷[c]
شرکت‌های مکانیزاسیون	۱۴/۶۶[b]

۱. حروف یکسان بیانگر عدم وجود تفاوت معنی‌دار در آزمون LSD (P=۰/۰۵) است.

۲. واحد: نظرسنجی از کشاورزان (دامنه تغییرات ۰-۲۸)

نموده‌اند (به ترتیب ۲۰/۳۷ و ۱۴/۶۶ در مقابل ۷/۶۲)، که این افزایش درآمد می‌تواند کاهش هزینه‌های کشاورزی را نیز در هر سه مرحله کاشت، داشت، و برداشت در برگیرد.

این یافته بیان می‌کند که در درازمدت، افراد بهره‌مند از خدمات مکانیزاسیون تعاونی‌های تولید (که معمولاً خود عضو این تعاونی‌ها نیز می‌باشند) بیشترین تقاضا را برای دریافت این گونه خدمات (در مقایسه با دیگر تشکل‌ها) خواهند داشت. این موضوع می‌تواند در رضایت این افراد از خدمات این واحدها جلوه‌گر شود. به گفتهٔ دیگر، از آن جا که سوددهی اقتصادی، که می‌تواند در چارچوب افزایش درآمد یا کاهش هزینه تعریف شود، در مقایسه با دیگر سازه‌ها (مانند مشارکت)، از دید کشاورز به شکلی آشکارتر و با اهمیت‌تر مطرح می‌گردد، در تصمیم‌گیری مربوط به ادامه روند استفاده یا عدم استفاده از خدمات مربوطه، نقش تعیین کننده‌ای دارد. به سخن دیگر، از دید بیشتر کشاورزان، نخستین و مهم‌ترین سازه تعیین کننده، سازه‌های اقتصادی است، که چنانچه از دید این افراد پذیرفته شود، معمولاً روند بهره‌مندی از خدمات استمرار می‌یابد.

یافته‌های کیفی نیز این موضوع را تأیید می‌نماید. به عنوان مثال، کشاورزان زیر پوشش یکی از تعاونی‌های روستایی بیان می‌داشتند:

«با وجود امکان استفاده از خدمات این واحدها، به دلیل زیادتر بودن میانگین اجرت دریافتی، ما از خدمات آنها استفاده نمی‌کنیم، و معمولاً خدمات بخش خصوصی را به دلیل کمتر بودن کارمزد، ترجیح می‌دهیم».

هم‌چنین، از آن جا که افزایش درآمد برای کشاورزان بیشتر از افزایش عملکرد فراورده‌های کشاورزی ناشی می‌شود، و گندم رایج‌ترین گیاهی است که کشاورزان به کشت آن اشتغال دارند، عملکرد گندم در حوزه زیر پوشش این تشکل‌ها مقایسه گردید. نتایج این مقایسه در جدول ۳ آمده است.

همان گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، میان تشکل‌ها از نظر عملکرد گندم در حوزه زیرپوشش تفاوت‌هایی دیده می‌شود، به نحوی که در حوزه زیرپوشش شرکت‌های مکانیزاسیون، در مقایسه با تشکل‌های دیگر، عملکرد گندم از همه بیشتر (۴/۸۳ تن در هکتار)، و پس از آن و با اختلافی ناچیز در تعاونی‌های تولید با متوسط عملکرد ۴/۱۸ تن در هکتار، زیادترین عملکرد به چشم می‌خورد. تعاونی‌های روستایی با میانگین ۳/۳۵ تن کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. از این یافته می‌توان نتیجه گرفت، از آن جا که شرکت‌های مکانیزاسیون به صورت بخش خصوصی فعالند، بیشتر در مناطقی به ارائه خدمات مشغولند که عملکرد گندم زیاد، و در مجموع، کشاورزی از رونق خوبی برخوردار است.

تعیین میانگین افزایش مشارکت و مقایسه تشکل‌ها (P)

مشارکت از مفاهیمی است که در دل تعاونی و تشکل جای دارد. با عنایت به نوع‌شناسی مشارکتی پرتی[1]، تعاونی و مفهوم آن را

1. Pretty

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]

جدول ۳. مقایسه تشکل‌ها از نظر عملکرد گندم در حوزه زیرپوشش (نتایج تحلیل واریانس)

نوع تشکل	میانگین عملکرد گندم[1] (تن در هکتار) F Prob.=۰/۰۰۱
تعاونی‌های روستایی	۳/۳۵[a]
تعاونی‌های تولید	۴/۱۸[ab]
شرکت‌های مکانیزاسیون	۴/۸۳[b]

۱. حروف یکسان بیانگر عدم وجود تفاوت معنی‌دار در آزمون LSD (P=۰/۰۵) است.

می‌توان در سطوح بالای این تقسیم بندی قرار داد (۲۴). هم‌چنین، با مد نظر قرار دادن نگرش‌های جدید توسعه، که به فرد و عامل انسانی توجه خاصی شده، این سازه در تعیین میزان موفقیت تشکل‌های مکانیزاسیون، در دو قسمت «مشارکت در تصمیم‌گیری» و «مشارکت در جامعه روستایی» مورد واکاوی قرار گرفت. منظور از مشارکت در تصمیم‌گیری، دخالت دادن کشاورز در تصمیمات مربوط به نحوه انجام عملیات سه مرحله کاشت، داشت و برداشت، و نیز انعطاف پذیری در دریافت اجرت (هم در تعیین میانگین و هم در نحوه پرداخت) است، و مقصود از مشارکت در جامعه روستایی، افزایش حس مشارکت‌جویی در فعالیت‌هایی است که تودهٔ مردم می‌توانند به آن اهتمام ورزیده، و در نتیجه آن وضعیت خود را بهبود بخشند. در جدول ۴، نتایج حاصل از میزان افزایش این دو عامل برای هر تشکل مقایسه گردیده است.

همان گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد، در زمینه افزایش مشارکت، تشکل‌ها توفیقات متفاوتی را کسب کرده‌اند. بدین ترتیب که در مورد مشارکت کشاورزان در تصمیم‌گیری، شرکت‌های مکانیزه با میانگین عددی ۱۲/۰۰ بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند. همان طور که در بخش بعد بحث شده است، یکی از دلایل این امر، نوع ساختار این تشکل‌هاست. بدین معنی که، از آن جا که شرکت‌های مکانیزه حالت بخش خصوصی را دارند، به هنگام ارائه خدمات، و تصمیم‌گیری در مورد نحوه عملیات، و نیز دریافت اجرت خود، از انعطاف پذیری بیشتری برخوردار بوده، و می‌توانند با کشاورزان بهره‌مند راحت‌تر کنار آمده و به توافق برسند. به سخن دیگر، نظریات و شرایط آنها را به هنگام ارائه خدمات و دریافت اجرت در تصمیمات خود دخالت می‌دهند. در حالی که تعاونی‌های تولید و روستایی، به دلیل این که شاخه‌ای از دیوان‌سالاری دولت محسوب می‌شوند، فاقد چنین انعطاف پذیری هستند. به گفتهٔ دیگر، توان چانه‌زنی آنها با کشاورزان بسیار کم و محدود به قید و بندها و مقررات دیوان‌سالاری است. به عنوان مثال، هر دو این واحدها پیش از ارائه خدمات، باید وجه خدمات مورد نیاز خود را پرداخت نمایند و فیش بانکی آن را به تعاونی ارائه دهند.

تامسون و ترپند (۲۳) در این مورد می‌گویند بخش خصوصی با انعطاف پذیری بسیاری که در برابر تولید کننده و مصرف کننده دارد، قادر به چالش با شرایط بازار و ارباب رجوع می‌باشد. به سخن دیگر، مشکلی که ممکن است شرکت‌های تعاونی با آن مواجه بوده و راه حل مناسبی برای آن ارائه نکرده باشند، انعطاف ناپذیری آنها در برابر نوسانات شدید بازار عرضه و تقاضا است (۴).

از نظر توفیق تشکل‌ها در مشارکت کشاورزان در جامعه روستایی، تعاونی‌های تولید با اختلافی فاحش نسبت به دو تشکل دیگر (۴/۲۵)، در صدر این تشکل‌ها قرار دارند، و تعاونی‌های روستایی و شرکت‌های مکانیزه میانگین تقریباً برابری را کسب کرده‌اند. این موضوع بدین معنی است که تعاونی‌های تولید در مقایسه با دیگر تشکل‌ها، بهتر و بیشتر توانسته‌اند در فرد حس مشارکت را ایجاد نمایند. یعنی این واحدها با افزایش توان درک اعضا از تعاونی (به صورت نهفته یا آشکار) توانسته‌اند توان درک مزایای عضویت در این گونه تشکل‌ها را افزایش داده، و در نتیجه کشاورز را در تشکل‌های دیگری همچون تعاونی‌های روستایی عضو نموده، و موجبات مشارکت آگاهانه هر چه بیشتر اعضا را در جامعه روستایی فراهم آورند.

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]

جدول ۴. مقایسه تشکل‌ها از نظر میانگین افزایش مشارکت (P) کشاورزان (نتایج تحلیل واریانس)

نوع تشکل	میانگین مشارکت در تصمیم‌گیری[۱و۳] F Prob.=۰/۰۱	میانگین مشارکت در جامعه[۲و۳] F Prob.=۰/۰۰۱
تعاونی‌های روستایی	۱۰/۳۷a	۲/۶۶a
تعاونی‌های تولید	۹/۶۲a	۴/۲۵b
شرکت‌های مکانیزاسیون	۱۲/۰۰b	۲/۵۰a

۱. واحد: نظرسنجی از کشاورزان (دامنه تغییرات ۰-۲۰)

۲. واحد: نظرسنجی از کشاورزان (دامنه تغییرات ۰-۹)

۳. در هر ستون حروف یکسان بیانگر عدم وجود تفاوت معنی‌دار در آزمون LSD (P=۰/۰۵) است.

تعیین میانگین افزایش برابری و مقایسه تشکل‌ها از نظر کاهش نابرابری (E)

وجود نابرابری و تلاش دولت‌ها در کاهش شکاف میان فقیر و غنی از جمله مفاهیمی است که از دهه ۱۹۷۰ میلادی در نگرش‌های توسعه آشکار و به آن پرداخته شده، و یکی از مقولاتی است که مفهوم اصلی توسعه را شکل داده و شامل مرور زمان نشده است. این مفهوم در بردارنده عدالت اجتماعی است، که این روزها به ویژه در محافل گوناگون داخلی، بحث آن به طور جدی پی‌گیری می‌شود. اصولاً، بحث تشکل‌ها و راه‌اندازی آنها نیز در راستای همین اصل مطرح می‌باشد.

همان گونه که در مقدمه نیز آمده، دگرگونی اساسی در کار کشاورزی و مکانیزه کردن آن مستلزم استفاده و به کارگیری ادوات ماشینی گران‌بها و سرمایه‌گذاری سنگین است، که به طور قطع برای خرده مالکین و صاحبان مزارع کوچک از نظر مالی غیرمقدور، و از نظر اقتصادی دور از صرفه می‌باشد. تأسیس و راه‌اندازی این تشکل‌ها در همین زمینه و با هدف ارتقای سطح زندگی خرده مالکین صورت می‌گیرد. بنابراین، یکی از سازه‌هایی که باید در تعیین میزان موفقیت آنها در نظر گرفته شود، مسئله میانگین افزایش برابری در اثر فعالیت‌های ایشان در جامعه روستایی، و در میان کشاورزان بهره‌مند از خدمات این تشکل‌هاست. در این پژوهش تعیین سازه مذکور با نظرسنجی از مدیران عامل و نیز خود کشاورزان صورت گرفته، که نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

نتایج تحلیل واریانس و آزمون LSD نشان می‌دهد که در زمینه افزایش میانگین برابری در میان هر سه گروه تشکل تفاوت معنی‌دار وجود دارد، چنان که هم از دید مسئولان خدمات تشکل‌ها و هم از دید مدیران عامل، تعاونی‌های تولید بیشترین امتیاز را کسب نموده‌اند (به ترتیب ۱۲/۷۵ و ۱۹/۸۷). پس از آن شرکت‌های مکانیزه، و در آخر تعاونی‌های روستایی قرار گرفته‌اند. هم‌چنین، با نگاهی به میانگین نهایی برابری، این موضوع بیشتر تأیید می‌شود. بدین معنی که هم از دید کشاورزان و هم از دید مدیران عامل، تعاونی‌های تولید بهتر توانسته‌اند به گروه‌های ضعیف‌تر جامعه پرداخته و به آنان خدمات بدهند. به سخن دیگر، این تشکل‌ها بهتر توانسته‌اند به یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل تشکل‌ها در جامعه زراعی، که همان کاهش شکاف فقیر و غنی است، دست یابند.

تعیین میانگین افزایش رفاه شغلی و مقایسه تشکل‌ها (PW)

از دیگر مقولاتی که با توجه به موضوع این پژوهش پرداختن به آن ضروری می‌نماید، تعیین میانگین افزایش رفاه شغلی یا حرفه‌ای برای بهره‌مندان از خدمات این تشکل‌هاست. این که این واحدها تا چه حد توانسته‌اند موجبات تسهیل و تسریع فعالیت‌های گوناگون کشاورزی را برای کشاورز فراهم نمایند، یکی از موارد بسیار مهمی بود که سنجش آن به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف تأسیس این واحدها، ضروری می‌نمود. بدین منظور، میانگین افزایش رفاه شغلی برای

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]

جدول ۵. مقایسه تشکل‌ها از نظر میانگین افزایش رفاه شغلی (PW) در بین کشاورزان (نتایج تحلیل واریانس)

نوع تشکل	میانگین نهایی رفاه شغلی[1و2] F Prob.=۰/۰۰۱
تعاونی‌های روستایی	۵/۳۳[a]
تعاونی‌های تولید	۱۸/۳۷[b]
شرکت‌های مکانیزاسیون	۱۷/۵۰[b]

۱. واحد: نظرسنجی از کشاورزان (دامنه تغییرات ۰-۲۵)
۲. حروف یکسان بیانگر عدم وجود تفاوت معنی‌دار در آزمون LSD (P=۰/۰۵) است.

تشکل‌های مختلف تعیین شد، که نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

همان گونه که جدول ۵ نشان می‌دهد، میان سه گروه تشکل مورد بررسی، از حیث میانگین افزایش رفاه شغلی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بدین معنی که باز هم تعاونی‌های تولید با میانگین ۱۸/۳۷ بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده و بعد از آنها و با اختلافی ناچیز (۱۷/۵۰) شرکت‌های مکانیزاسیون قرار می‌گیرند. ولی هر دو گروه اختلاف چشم‌گیری با تعاونی‌های روستایی نشان می‌دهند. این تعاونی‌ها در این مورد نیز پایین‌ترین امتیاز (۵/۳۳) را به خود اختصاص داده‌اند.

این موضوع بیانگر آن است که تعاونی‌های روستایی تغییر چندانی در تسهیل و تسریع فعالیت‌های کشاورزی ایجاد نکرده‌اند. در واقع، خدمت رسانی آنها به گونه‌ای است که با اهداف برنامه‌های توسعه مکانیزاسیون هم‌خوانی ندارد. به گفتهٔ دیگر، از آن جا که یکی از اهداف برنامه‌های توسعه مکانیزاسیون، تسهیل و تسریع هر چه بیشتر خدمت رسانی در سه مرحله کاشت، داشت و برداشت است، واحدهای مکانیزه تعاونی‌های روستایی، که عمدتاً برای این منظور به وجود آمده‌اند، نتوانسته‌اند این هدف را برآورده سازند. این یافته با یافته‌های جدول توافقی ۶ تأیید می‌شود.

یافته‌های جدول ۶ تفاوت آشکار میان تشکل‌های گوناگون را نشان می‌دهد. با توجه به این که مقدار کای اسکوئر این جدول در سطح ۰/۰۰۰۱ معنی‌دار است، می‌توان گفت که به اعتقاد کشاورزان، ۱۰۰% تعاونی‌های تولید در موقع مناسب خود به ارائه خدمات می‌پردازند. این در حالی است که ۸۳% شرکت‌های مکانیزه، و تنها ۳۳% تعاونی‌های روستایی به موقع به ارائه خدمات می‌پردازند. در این مورد باز هم دیده می‌شود که تعاونی‌های روستایی، در مقایسه با دیگر تشکل‌ها، در پایین‌ترین سطح از نظر زمانی به ارائه خدمات مشغولند. درستی این یافته در تحلیل رفاه شغلی هنگامی بیشتر محرز می‌گردد که بدانیم زمان ارائه خدمات برای هر سه مرحله کاشت، داشت و برداشت است.

تعیین میانگین نهایی موفقیت و مقایسه تشکل‌ها (S)

همان گونه که پیش‌تر گفته شد، میانگین نهایی موفقیت، از جمع جبری متغیرهای درآمد، مشارکت، برابری و رفاه شغلی به دست می‌آید. پس از محاسبه این متغیرها، مقدار عددی موفقیت نهایی تعیین، و در تشکل‌های مختلف مورد مقایسه قرار گرفت (نمودار ۱).

در این مورد، آزمون LSD نشان می‌دهد که واحد مکانیزه تعاونی‌های تولید با کسب میانگین ۸۵/۲۵ امتیاز موفق‌ترین بوده، و پس از آنها به ترتیب شرکت‌های مکانیزاسیون با میانگین ۷۲/۵۰ امتیاز و تعاونی‌های روستایی با میانگین ۴۷/۴۵ امتیاز قرار دارند. بنابراین، از نظر عملکرد، تعاونی‌های تولید در مقایسه با تشکل‌های دیگر (در چارچوب اهداف توسعه)، مطلوب‌تر، و سپس با فاصله‌ای ناچیز، شرکت‌های مکانیزاسیون می‌باشند. این در حالی است که عملکرد هر دو این تشکل‌ها با عملکرد تعاونی‌های روستایی تفاوتی چشم‌گیر نشان می‌دهد، به گونه‌ای که از حیث میزان موفقیت، واحد مکانیزه تعاونی‌های تولید تقریباً دو برابر موفق‌تر از تعاونی‌های روستایی است. بدین ترتیب، تعاونی‌های تولید در مقایسه با دیگر تشکل‌ها توانسته‌اند:

- درآمد بیشتری را برای اعضای خود کسب نمایند.
- مشارکت بیشتر اعضا را در تصمیم‌گیری و در جامعه روستایی موجب شوند.

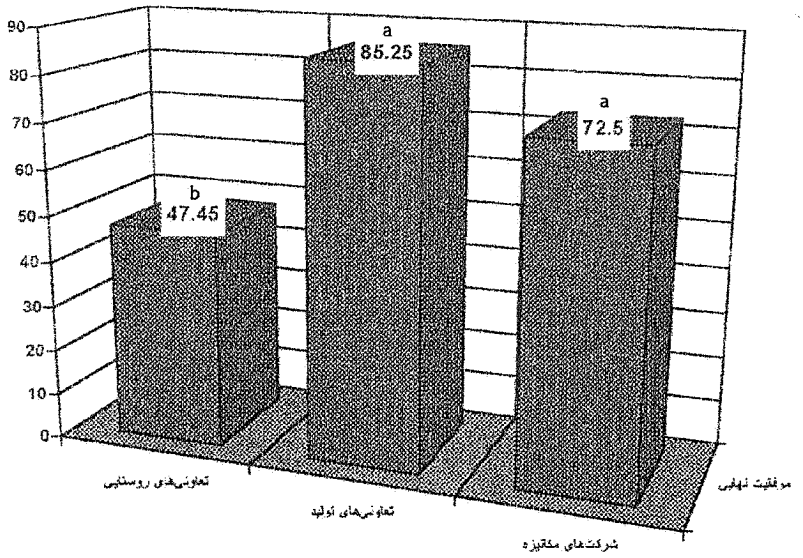
[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]

جدول ۶. مقایسه تشکل‌ها از نظر زمان ارائه خدمات

نوع تشکل	زمان ارائه خدمات				مجموع
	به موقع		بی‌موقع		
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	(درصد)
تعاونی‌های روستایی	۸	۱۸/۲	۱۶	۳۶/۴	۵۴/۵
تعاونی‌های تولید	۸	۱۸/۲	۰	۰	۱۸/۲
شرکت‌های مکانیزاسیون	۱۰	۲۲/۷	۲	۴/۵	۲۷/۳
مجموع	۲۶	۵۹/۱	۱۸	۴۰/۹	۱۰۰

(Chi-Square = ۱۵/۰۴, F = ۰/۰۰۰۱)



نمودار ۱. مقایسه میزان موفقیت نهایی تشکل‌ها

- حروف یکسان روی منحنی بیانگر عدم وجود تفاوت معنی‌دار در آزمون LSD (P=۰/۰۵ و F Prob.=۰/۰۰۱) است.
- میانگین‌ها از مجموع نظرسنجی از کشاورزان و مدیران عامل به دست آمده است (دامنه تغییرات ۰-۱۲۲).

- موجبات کاهش نابرابری و افزایش برابری (طبقاتی و منطقه‌ای) را فراهم آورند.
- انجام فعالیت‌های گوناگون کشاورزی را هر چه بیشتر و بهتر تسهیل نمایند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تعاونی‌های کشاورزی، به ویژه تعاونی‌های تولید، می‌توانند نقش مهمی در فرآیند توسعه کشاورزی داشته باشند. توجه به مفهوم توسعه، لزوم نگرش جامع به اجزای موفقیت را مطرح می‌سازد. این پژوهش با ارائه شاخصی برای سنجش موفقیت تشکل‌های روستایی، به ویژه تشکل‌های مکانیزاسیون کشاورزی، به منظور نگرشی جامع در چارچوب اهداف توسعه تلاش نموده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در ایجاد درآمد بیشتر برای کشاورز، تعاونی‌های تولید موفقیت بیشتری را به دست آورده‌اند، در حالی که تعاونی‌های روستایی کمترین درآمد را برای اعضای خود داشته‌اند. شرکت‌های مکانیزه با کسب موفقیتی متوسط، بین این دو واحد قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب،

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]

چنانچه هدف برنامه‌های مکانیزاسیون، افزایش درآمد برای کشاورز باشد، گسترش تعاونی‌های تولید منطقی‌تر به نظر می‌رسد.

از حیث افزایش مشارکت کشاورزان بهره‌مند در تصمیم‌گیری و در جامعه روستایی، تعاونی‌های گوناگون، تفاوت‌های آشکاری دارند، به نحوی که شرکت‌های مکانیزه بیشترین انعطاف پذیری و مشارکت را در تصمیمات مربوط به انجام فعالیت‌های کشاورزی، و نیز نحوه پرداخت و میزان اجرت، بین تشکل‌های مختلف دارا می‌باشند. در صورتی که تعاونی‌های تولید در مشارکت افراد روستایی در سطح جامعه موفقیت بیشتری داشته‌اند. تعاونی‌های روستایی در هر دو مورد باز هم کمترین میزان موفقیت را دارا بودند. بر پایهٔ این یافته، چنانچه هدف انعطاف پذیری بیشتر در برابر کشاورز و انجام فعالیت‌های کشاورزی باشد، توسعه شرکت‌های مکانیزه، و چنانچه مشارکت در سطح جامعه محلی مدنظر باشد، گسترش تعاونی‌های تولید پیشنهاد می‌گردد. در این موارد نیز، در هر دو حالت، تعاونی‌های روستایی پایین‌ترین مقدار موفقیت را از خود نشان می‌دهند.

از دیگر مواردی که به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه از دهه ۱۹۷۰ مورد توجه و تأکید قرار گرفت، برابری و کاهش شکاف در جامعه (روستایی) است، که به عنوان یکی از عوامل موفقیت تحلیل گردید. در این مورد نیز میان تشکل‌های مختلف، تفاوت‌های معنی‌داری از نظر آماری مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که هم از نظر کشاورز و هم از نظر مدیرعامل، تعاونی‌های تولید در مقایسه با تشکل‌های دیگر، بیشتر توانسته‌اند در جهت برابری گام بردارند. به عبارتی، این تشکل‌ها، در مقایسه با دیگر تشکل‌ها، بیشتر قادر به خدمت‌رسانی بین اقشار گوناگون کشاورز در سطح جامعه محلی می‌باشند. از این نظر، شرکت‌های مکانیزاسیون بعد از تعاونی‌های تولید قرار دارند. در آخر، باز هم تعاونی‌های روستایی قرار دارند که در مقایسه با تعاونی‌های تولید و شرکت‌های مکانیزه، به هنگام خدمت رسانی به گروه‌های مختلف کشاورز، سوگیری بیشتری به سود عمده مالکان نشان می‌دهند. بر این پایه، چنانچه هدف طرح‌های توسعه مکانیزاسیون، افزایش برابری و عدالت اجتماعی در بخش کشاورزی باشد، گسترش تعاونی‌های تولید مطلوب‌تر به نظر می‌رسد.

آخرین سازه‌ای که از جمع آن با سازه‌های بالا، موفقیت نهایی تشکل محاسبه شد، رفاه شغلی است، که خود شامل تسهیل و تسریع دسترسی کشاورز به ادوات ماشینی در هنگام نیاز می‌باشد. از این حیث، تعاونی‌های تولید و شرکت‌های مکانیزه اختلافی فاحش با تعاونی‌های روستایی دارند. به سخن دیگر، این واحدها بالاترین امتیاز را در ایجاد رفاه شغلی برای کشاورز به خود اختصاص می‌دهند. یعنی، به هنگام نیاز کشاورز، این واحدها خدمات مناسب‌تر و به هنگام‌تری را به کشاورز ارائه می‌دهند، که در این میان باز هم تعاونی‌های تولید رفاه بیشتری را نسبت به شرکت‌های مکانیزه برای کشاورز به وجود می‌آورند. بدین ترتیب، چنانچه هدف برنامه‌های توسعه مکانیزاسیون، تسهیل و تسریع در خدمت رسانی به کشاورز باشد، باز هم راه‌اندازی هر چه بیشتر تعاونی‌های تولید، در مقایسه با دیگر تشکل‌ها پیشنهاد می‌گردد.

سرانجام، موفقیت نهایی این تشکل‌ها (از مجموع اهداف بالا) محاسبه شد. بدین ترتیب، در مجموع نیز تعاونی‌های تولید موفقیت بیشتری را در دست‌یابی به اهداف توسعه از خود نشان می‌دهند. بعد از این واحدها، شرکت‌های مکانیزه، و نهایتاً تعاونی‌های روستایی قرار می‌گیرند. به سخن دیگر، تعاونی‌های تولید در مجموع توانسته‌اند، در دست‌یابی به اهداف توسعه (افزایش درآمد، مشارکت بیشتر، کاهش نابرابری و افزایش رفاه) موفقیت بیشتری کسب نمایند. پس از این واحدها، شرکت‌های مکانیزه موفق‌تر عمل نموده‌اند. در هر حال، تعاونی‌های روستایی پایین‌ترین سطح موفقیت را از خود نشان می‌دهند.

بنابراین، چنانچه هدف برنامه‌های توسعه مکانیزاسیون برآوردن اهداف فوق باشد، گسترش و حمایت هر چه بیشتر واحد مکانیزه تعاونی‌های تولید منطقی‌تر به نظر می‌رسد. به گفتهٔ دیگر، چنانچه هدف از برنامه‌های توسعه مکانیزاسیون،

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]

ایجاد درآمد برای کشاورز، به همراه مشارکت هر چه بیشتر وی در سطح جامعه محلی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به انجام فعالیت‌های کشاورزی باشد، به گونه‌ای که در این میان، در جهت عدالت اجتماعی و تسهیل و تسریع خدمت رسانی به کشاورز نیز گام برداشته و رفاه بیشتر را برای وی به همراه داشته باشد، توسعه و گسترش هر چه بیشتر تعاونی‌های تولید پیشنهاد می‌گردد. در هر حال، و با عنایت به امتیاز پایینی که واحدهای مکانیزه تعاونی‌های روستایی در دست‌یابی به هر یک از اهداف توسعه به دست آورده‌اند، نه تنها گسترش و فعال نمودن واحدهای مکانیزه تعاونی‌های روستایی پیشنهاد نمی‌گردد، که در بسیاری از موارد ترجیحاً، انحلال آنها ضروری به نظر می‌رسد.

سپاسگزاری

بدین وسیله از همکاری‌ها و فراهم نمودن امکانات توسط جناب آقای مهندس طلعتی، ریاست محترم اداره فنی و تکنولوژی فارس، و مدیر بنگاه توسعه ماشین‌های کشاورزی فارس، در راه انجام این پژوهش، تشکر و قدردانی می‌شود. هم‌چنین، از آقای سیدمحمدتقی ابراهیمی، تکنیسین محترم این اداره و همکار میدانی این بررسی، که کمک‌های فراوانی در جمع‌آوری داده‌ها نمودند، سپاسگزاری می‌گردد.

منابع مورد استفاده

۱. زمانی‌پور، ا. ۱۳۷۳. *ترویج کشاورزی در فرآیند توسعه*. بیرجند.
۲. سازمان مرکزی تعاون کشور. ۱۳۴۸. شرکت‌های تعاونی و بهره‌برداری از زمین‌های مزروعی (نشریه شماره ۲۴). سازمان مرکزی تعاون کشور، تهران.
۳. ناهید. م. ۱۳۴۶. *نقش شرکت‌های تعاونی در پیشرفت و توسعه کشاورزی*. انتشارات دانشگاه تهران.
۴. هلم، ف. ۱۳۷۲. راه سوم برای صنعتی شدن، شرکت‌های تعاونی تولیدی. تعاون ۲۲: ۵۱-۵۵.
5. Abdelrahman, A. H. and C. Smith. 1996. Cooperatives and agricultural development: A case study of Groundnut farmers in Western Sudan. Comm. Develop. J. 31(1): 13-15.
6. Barao, S. M. 1992. Behavioural aspect in adoption of technology. J. Ext. 30: 13.
7. Blackburn, D. J., I. Brinkman and H. C. Driver. 1982. Understanding behavioural and economic characteristics in working with operators of small farms: A case study in Ontario, Canada. PP. 71-85. *In*: Progress in Rural Extension and Community Development, John Wiley & Sons, Ltd., USA.
8. Chambers, R. 1997. Whose Reality Counts? Intermediate Technol. Pub., London.
9. Chambers, R. and B. P. Ghildyal. 1985. Agricultural resource-poor farmers: The farmer-first-and-last model. Agric. Adminis. 20: 1-30.
10. Esman, M. J. and N. T. Uphoff. 1988. Local Organizations. Intermediaries in Rural Development. Cornell Univ. Press, USA.
11. Goss, K. F. 1979. Consequenses of diffusion of innovations. Rural Social. 44(4): 754-772.
12. Hilhorst, D. 1997. Issues and dilemmas in building development efforts on local organizations. Comm. Develop. J. 32(1): 17-29.
13. Ladele, A. A., T. A. Olowu and C. O. Igodan. 1994. Socio-economic impact of agricultural cooperative organization: Empirical evidence from Nigeria. J. Rural Develop. and Adminis. 26(1): 1-15.
14. Muneer, S. E. T. and W. Goudy. 1994. Cooperative and agricultural income: An example from Sudan. Univ. Khartoum J. Agric. Sci. 2(2): 119-132.
15. Naghizadeh, M. 1984. The role of farmer's self determination, collective action and cooperative in

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]

agricultural development: A case study of Iran. Instit. for the Study of Languages and Cultures of Asia and Africa, Tokyo.

16. Newiger, N. 1983. New approaches to cooperatives and other farmers' organizations. Land Reform, Land Settlement and Cooperatives, 1/2: 25-39.
17. Paudyal, D. P. 1992. Deedar: A success story in cooperative village development. Comm. Develop. J. 27(3): 274-284.
18. Roling, N. G. 1979. The logic of extension. Indian J. Ext. Edu. 15(3, 4): 1-8.
19. Roling, N. G., J. Ascroft and F. W. Chege. 1976. The diffusion of innovation and the issue of equity in rural development. Comm. Res. 3: 155-170.
20. Roy, P. 1982. Extension with the disadvantages: A radical view. PP. 71-85. *In*: G. E. Jones and M. J. Rolls (Eds.), Progress in Rural Extension and Community Development. John Wiley & Sons, Ltd., London.
21. Shaner, W. W., P. F. Philip and W. R. Schmehl. 1982. Farming Systems Research and Development: Guidelines for Developing Countries. Westview Press, Colorado.
22. Sidhu, J. S. and R. S. Sidhu. 1990. Case studies of successful and unsuccessful primary cooperative service society and milk producers' co-operative society in Punjab. Indian J. Agric. Econ. 45(3): 367-373.
23. Thomson, A. and N. Terpend. 1993. Promoting private sector involvement in agricultural marketing in Africa. FAO Agricultural Services Buletin No. 106, Rome.
24. Waters-Bayer, A. and W. Bayer. 1994. Planning with pastoralists PRA and more: A review of methods focused on Africa. German Agency for Technical Cooperation: GTZ, Eschborn, Germany.

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.3.12.1]